

اقتصادی حاصل شد، افزایش همزمان رفاه با رشد اقتصادی بود که به آن پرداخته نشد و لذا راه‌آورد این رشد اقتصادی، توسعه خط فقر و شکاف طبقاتی بود. در دوره اصلاحات، بیشتر به حوزه‌های سیاسی اهمیت داده شد و با همان مثنی سیاسی، افزایش رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفت و لذا در پایان سال‌های آخر دولت هشتم، مشکلات اقتصادی خودنمایی کرد. در دولت نهم این سلاطین در قالب مبارزه با فقر مطرح شد و اهدافی همچون عدالت اجتماعی و توزیع درآمد و ثروت به عنوان یک هدف معرفی شدند. اما این شعارها با افزایش تولید همراه نبودند و این موضوع دقیقاً بر خلاف سیاست‌های دولت‌های پیشین بود که بیشتر بر افزایش تولید متمرکز بودند و توجهشان از عدالت منحرف شده بود.

در حال حاضر، توزیع درآمد و ایجاد عدالت به جای آن که بر مبنای تولید و ایجاد درآمدهای مولد صورت گیرد، بر اساس توزیع ثروت‌های ملی و منابع نفتی تحت عناوین مختلف مانند سهام عدالت انجام گرفته است. چطور می‌توان بدون ایجاد منابع درآمدی پایدار تولید و تنها بر اساس فروش منابع به توزیع ثروت و درآمد پرداخت؟ با وجود این که در چشم‌انداز ۲۰ ساله، ارتباط بین تولید و توزیع درآمد به درستی تعریف شده، اما در الزامات اجرایی - علیرغم تأکیدات مقام معظم رهبری - در تغایر و تناقض با اهداف چشم‌انداز در این سال‌ها حرکت کرده‌ایم. بنابراین، صرف تدوین چشم‌انداز بدون حضور سیستم‌های کنترلی و نظارتی، نمی‌تواند شیوه درستی در اجرای برنامه‌های کلان کشور باشد. ■

از موارد، لویج به جای آن که با بررسی کارشناسانه تصویب شوند، با قیام و قعود در هیأت دولت به تصویب می‌رسند. برخی، این موضوع را به حجم بالای مصوبات موجود در سفرهای استانی ارتباط می‌دهند. شاید تعداد مصوبات استانی رقم بالایی باشد، اما این که این میزان مصوبات تا چه میزان کارایی، کیفیت، صحت و درستی لازم را داشته‌اند، مهم است.

فرسنگ‌ها دور از چشم‌انداز

عدم التزام به نهادها و فرآیندهای شکل‌گیری قانون، ضعف مجلس در ایفای نقش‌های نظارتی و کنترلی به دلیل ملاحظات سیاسی، حاکمیت باورها و سلاطین شخصی در نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی رییس‌جمهور و ضعف تصمیم‌گیری هیأت دولت، مهمترین مسائلی هستند که بر ساختار تصمیم‌گیری‌ها تأثیر گذار هستند. کشور ما با تدوین سند چشم‌انداز ۲۰ ساله به دنبال حرکت کل نظام به سمت اهدافی است که در راستای توسعه اقتصادی تدوین شده‌اند. با این وجود، مکانیزم‌های رسیدن به این اهداف به خوبی دیده نشده‌اند. اهداف استراتژیک می‌توانند همگرایی ایجاد کنند. به عنوان مثال، اولین هدف در دولت سازندگی، افزایش محصول ناخالص ملی بود که نرخ رشد اقتصادی را افزایش داد و البته پیامدهایی هم داشت. ولی توجه و تصمیم‌گیری شخصی رییس‌جمهور وقت این بود که در دوران سازندگی باید بسط و گسترش زیادی در قلمرو مذکور ایجاد شود. در کنار آن، نیاز استراتژیک دیگری که از تبعات رشد

صنعت و خانوار در مسیر هدفمندی

نسیم یا گردباد؟

ارزبایی آقای سعید توتونچی ملکی، کارشناس ارشد مسایل اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی



شده و این امر فضای غیررقابتی را تشدید کرده است. چنین هزینه بالایی، سبب شده است که دولت نتواند چتر حمایتی تأمین اجتماعی را به طور کامل برای اقشار آسیب‌پذیر باز کند و لذا شیوه فعلی ارزیاب‌ها در اقتصاد ایران نتوانسته عدالت اجتماعی را محقق سازد.

در قانون هدفمندی یارانه‌ها، سیاست‌های اصلاح نظام یارانه‌ای و نهایتاً اقتصادی کشور با دو رویکرد کلی سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی مد نظر قرار گرفته‌اند. برخی از صاحب‌نظران، کارآمدترین روش اجرای این قانون را علیرغم تأکید آن بر اصلاحات قیمتی در یک دوره ۵ ساله، اجرای دفعی آن (شوک درمانی) می‌دانند که این رویکرد، آثار و تبعات بسیار نامطلوب و ویران‌کننده‌ای بر اقتصاد ایران به همراه خواهد داشت.

تورم هدفمندی

بانک مرکزی، افزایش قیمت بنزین را به نرخ جهانی، معادل افزایش ۶/۲ درصد تورم دانسته و در صورتی که نفت گاز و نفت کوره همزمان با بنزین افزایش قیمت یابند، تورم ۲۹/۵ درصدی در جامعه قابل پیش‌بینی است. مرکز پژوهش‌ها تورم ۵۲/۶ درصدی و ۱۴/۵ درصدی حاصل از افزایش یکباره و پلکانی قیمت همه حامل‌ها را پیش‌بینی نموده و بانک جهانی هم نرخ ۳۰/۵ درصدی رشد تورم را در ازای افزایش قیمت بنزین به اندازه نرخ جهانی پیش‌بینی کرده است. خود دولت هم تورم حاصل از اجرای این

اقتصاد ایران دارای ساختار و ویژگی‌های منحصر به فردی است. وابستگی اقتصاد ملی به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز و به تبع آن وابستگی بودجه‌های سنواری به درآمدهای نفتی، ساختار سنتی، غیرتکنولوژیک و غیررقابتی اقتصاد و مواردی مانند آن از جمله این ویژگی‌ها هستند. تجربه تقریباً سه دهه عملکرد نظام اقتصادی، تصویر کارآمدی را از این نظام ارایه نمی‌کند. بر این اساس، صاحب‌نظران، کارشناسان و سیاست‌گذاران اقتصادی درصدد اصلاح و بازنگری در ساختار اقتصادی کشور برآمدند که اولین گام، ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بود. این قانون با برشمردن فعالیت بخش‌های مختلف اقتصاد ملی، سعی داشته زمینه فعالیت‌های بخش دولتی را محدود و سازماندهی کند و در مقابل، بسترهای حضور بخش‌های غیردولتی را به عنوان کارآمدترین بخش در اقتصاد فراهم نماید.

ضرورت بازنگری در برخی بخش‌های اقتصادی برای اصلاح ساختار نظام اقتصادی ایران، تمام این مسایل را در قالب مطالعات راهبردی اقتصاد کشور با عنوان طرح تحول اقتصادی مطرح کرد که قانون هدفمندکردن یارانه‌ها عصاره این طرح است. به چند دلیل هدفمند کردن یارانه‌ها در اولویت مباحث مرتبط با طرح تحول قرار دارد و دولت با حساسیت خاصی این موضوع را پیگیری می‌کند. اول این که مصرف‌کننده‌های انرژی در اقتصاد کشور با روند صعودی و فزاینده‌ای همراه است که قیمت‌های پایین این حامل‌ها، اسراف و تبذیر آنها را موجب شده است. از طرف دیگر، دولت به دلیل محدودیت منابع اقتصادی و افزایش سالانه سهم یارانه‌ها و بودجه‌های اختصاص داده شده به این حامل‌ها، قادر نیست آنها را تأمین مالی کند؛ ضمن آن که پایین نگه داشتن قیمت حامل‌ها در اقتصاد ایران موجب ناکارآمدی ساختار تکنولوژیکی اقتصاد کشور

اعتبارات هزینه‌ای دولت ایجاد کنیم، امکان رها کردن اقتصاد از وابستگی به درآمدهای نفت و گاز عملی نخواهد شد.

در اقتصاد کشور ما، بسیاری از مؤدیان مالیاتی که سهم بالایی از محصول ناخالص داخلی را در اختیار دارند، هیچ گونه مالیاتی پرداخت نمی‌کنند که این امر یا به دلیل عدم شناسایی و فرار مالیاتی این مؤدیان و یا به دلیل وجود برخی رانت‌های قانونی است. موضوع دیگر آن که از نظر دولت، بخش خصوصی انگیزه کافی برای سرمایه‌گذاری در بسیاری از بخش‌های اقتصادی را ندارد. آزاد سازی قیمت‌ها زمینه حضور بخش خصوصی را فراهم می‌سازد. البته در رابطه با مباحث سرمایه‌گذاری در کشور دو نظر کلی وجود دارد: نظر اول آن است که با اصلاح قیمت‌ها، بخش‌های دیگر هم اصلاح شده و فعالان اقتصادی تمایل به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی پیدا خواهند کرد.

اما نظر دوم بر این پایه شکل گرفته است که با اصلاح قیمت‌ها، برتری و مزیت اصلی تولید کنندگان از آنان گرفته می‌شود و در نتیجه تولید کنندگان به ورطه نابودی خواهند افتاد. دولت طبعاً طرفدار نظریه اول است، چون اعتقاد دارد که اگر پایین بودن قیمت حامل‌های انرژی مزیت اقتصاد ملی به حساب می‌آید، تولید کنندگان در وضعیت بهتری قرار داشتند. فارغ از دیدگاه‌های کلی مطرح شده، سرمایه‌گذاری تابع عوامل متعدد و بیشماری در حوزه‌های مختلف اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. تجربه چند دهه گذشته در اقتصاد ایران مؤید این واقعیت است که برخی از این عوامل آنگاه مهم هستند که حتی با قیمت‌های پایین انرژی در طول این مدت، سرمایه‌گذاران تمایلی به سرمایه‌گذاری نداشته‌اند. ■

سیاست را رقمی بین ۱۳ تا ۱۵ درصد علاوه بر تورم فعلی پیش‌بینی می‌کند. برآوردهای برخی از مطالعات نشان دهنده این واقعیت است که در صورت افزایش قیمت حامل‌های انرژی برای کسب درآمد خالصی معادل ۴۰ هزار میلیارد تومان از محل افزایش قیمت این حامل‌ها، هزینه‌های تولید بخش صنعت کشور به طور متوسط معادل ۴۴/۸ درصد افزایش خواهند یافت. در بسیاری از بخش‌های اقتصادی با توجه به ساختار آنها، تولیدکنندگان برای آن که ساختار تولید خود را اصلاح کرده و ترکیب بهینه مصرف حامل‌های انرژی را تعیین کنند، زمان زیادی لازم دارند و این امر در شرایط شوک قیمتی میسر نخواهد شد، مگر آن که دولت تسهیلات فراوانی در اختیار تولیدکنندگان قرار دهد که بتوانند ساختار اقتصادی تولید را به یکباره تعدیل کنند.

زیرساخت‌های هفت گانه

برخی از صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران معتقدند برای دستیابی به اهداف متعالی اقتصادی حاصل از هدفمندی، می‌بایست دیگر شاخه‌های طرح تحول هم محقق شوند. یعنی ضروری است همراه با اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و سیستم قیمت‌ها در اقتصاد کشور، نظام بانکی مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد تا بخش‌های مختلف اقتصاد بتوانند با تعامل با این نظام، بخشی از مشکلات و نارسایی‌های خود را برطرف کرده و منابع مالی مورد نیاز خود را از این طریق تأمین کنند. از طرف دیگر، به اعتقاد کارشناسان، مادامی که نظام ارزی را اصلاح نکنیم و نرخ ارز واقعی نباشد، وضعیت تولیدی و صادراتی در کشور بهبود نمی‌یابد. همچنین اگر نتوانیم سیستم مالیاتی گسترده و قابل قبولی را برای تأمین

سیاست ترکیه در قبال ایران

ایران گرایی

نگاه مؤسسه The German Marshall Fund در مورد تغییر سیاست خارجی ترکیه

امینیت نبوده است. اما این حقیقت که ترکیه برای به چالش کشیدن راهی که نظام بین‌المللی در پیش گرفته، همکاری با یک کشور نوظهور دیگر - یعنی برزیل - را برگزیده، نشانه‌ای از تغییر شکل اساسی سیاست این کشور است.

استدلال‌های ترکیه در رابطه با موضع جدید این کشور در قبال برنامه هسته‌ای ایران، چندان بر ریسک‌های احتمالی توسعه برنامه هسته‌ای ایران و ارتباط آن با امنیت ترکیه متمرکز نمی‌شوند، بلکه بر این حقیقت تأکید دارند که کشورهای دیگر - به طور خاص اسرائیل - در منطقه هستند که سلاح هسته‌ای در اختیار دارند. بنابراین، تلاش‌ها باید به سمت ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای پیش روند که در این صورت، ایران هم از پیگیری راه هسته‌ای خود منصرف خواهد شد.

منطق این موضع ترکیه اگر چه صریحاً عنوان نشده، اما می‌تواند این باشد که نظام کنونی منع گسترش سلاح‌های اتمی از زمان تشکیل در سال ۱۹۶۸ به برخی کشورها برای در اختیار داشتن سلاح‌های اتمی امتیازاتی را داده که این کشورها به تعهدات خود برای خلع سلاح توجهی نکرده‌اند. از طرف دیگر، پس از به اجرا در آمدن این پیمان، کشورهای جدیدی به فهرست کشورهای دارای سلاح هسته‌ای اضافه شده‌اند. برخی از کشورهای تازه وارد به جمع کشورهای هسته‌ای، نه تنها به عضویت پیمان منع گسترش سلاح‌های اتمی (NPT) درنیا آمده‌اند که حتی از حمایت کشورهای دارای سلاح هم برخوردار شده‌اند. به علاوه، در بسیاری از موقعیت‌ها، قدرت‌های بزرگ چشم خود را بر موارد نقض پیمان بسته و در نتیجه

وزیر امور خارجه ترکیه طی سخنرانی خود در مجمع استانبول از اهداف خاصی برای سیاست خارجی این کشور نام برد. احمد داوود اوغلو، حل و فصل مشکلات جهانی را مستلزم حرکت در چارچوب‌هایی دانست که همه سهام‌داران در تشکیل اصول آن نقشی ایفا کرده باشند. داوود اوغلو با اشاره به رشد اقتصادی قابل توجه ترکیه در سال‌های اخیر، تأکید کرد که سهم این کشور برای بررسی مشکلات منطقه‌ای، از دید کشورهای که با ترکیه مشترکات تاریخی و فرهنگی دارند طبیعی و مطلوب جلوه می‌کند. وی معتقد است هدف پیشرفت‌های سیاست خارجی ترکیه، تغییر بنیان غرب‌گرایی این کشور نبوده است. آنکارا هنوز هم به دنبال پیوستن به اتحادیه اروپا است و امنیت این کشور، وابسته به عضویت در ناتو است. داوود اوغلو همچنین بیان کرد: پیشرفت‌های سیاسی کشورش با هدف اتخاذ سیاستی برای ایجاد تغییر در نظم جهانی صورت نگرفته‌اند، بلکه هدف ترکیه ایفای نقشی فعال و تأثیرگذار در نظام موجود است.

اتحاد راهبردی ترکیه و ایران

ولی سیاستی که ترکیه در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران در پیش گرفته، نشان می‌دهد بنیان سیاست خارجی این کشور در حال تغییر است. بر اساس چارچوب قدیمی سیاست خارجی ترکیه، انتظار می‌رفت این کشور ایران را تشویق کند تا مطابق شرایط پیمان منع گسترش سلاح‌های اتمی رفتار کند، همکاری‌های لازم را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ترتیب دهد و آمریکا و دیگر اعضای شورای امنیت را به اولویت قرار دادن روش‌های دیپلماتیک وادار کند. به علاوه باید گفت ترکیه - علیرغم گرایش سنتی سیاست خارجی خود به سوی غرب - پیشنهاد تلاش برای مخالفت با اقدامات اتخاذ شده از سوی شورای

